بسیج امام
فانوس
۸۸
در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی / شماره هشتاد و هشتم / بهار ۱۴۰۵



تربیت حماسی

گفتاری از
حجةالاسلام والمسلمین یاسر ماهری
پیرامون نقش هیأت‌های مذهبی
در پرورش روحیه حماسی نوجوانان

فانوس

فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هشتاد و هشتم، بهار ۱۴۰۵

تربیت حماسی

گفتاری از حجت‌الاسلام‌والمسلمین یاسر ماهری پیرامون نقش هیأت‌های مذهبی در پرورش روحیه حماسی نوجوانان

هفدهمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور؛ تیرماه۱۴۰۲، زنجان.
هجدهمین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده کشور؛ آبان‌ماه۱۴۰۲، تهران.

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۲۰ نسخه / نوبت چاپ: اول

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ کدپستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org

انتشارات هیأت امروز
پایگاه اطلاع‌رسانی: heyatemrooz.ir
شبکه‌های اجتماعی: @heyatemrooz_ir
رایانامه: info@1542.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

در فرهنـگ و معـارف دینـی جامعـه شیعـی، هیأت‌هـای مذهبی همـواره به عنوان کانونی زنده و پویا برای حفظ شعائر، ترویج ارزش‌ها و تربیت نسل‌های مؤمن ایفای نقش کرده‌اند.

این نهادهای خودجوش و مردمی، همواره میراث‌دار حماسه عاشورا و مروج گفتمان مقاومت و ایسـتادگی در برابر ظلم و اسـتکبار بوده‌اند. با این حال، در عصر حاضـر و در مواجهه با تهاجم گسـترده و پیچیده فرهنگی دشـمن، به ویژه در فضای رسانه‌ای و مجازی، نقش و عملکرد هیأت‌ها با پرسش‌ها و چالش‌های جدی روبرو شده است.

اغتشاشات و حوادث اجتماعی سال‌های گذشته، به وضوح نشان داد که دشمن با تمرکز بر قشر نوجوان و جوان و بهره‌گیری از ابزارهای هیجانی و احساسی، درصدد ایجاد شکاف و اغتشاش در بافت فرهنگی جامعه است. در چنین شرایطی، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که هیأت‌های مذهبی با آن پشتوانه عظیم تاریخی و مردمی، چگونه می‌توانند در میدان نبرد فرهنگی امروز، نه تنها از کیان عقیدتی و فرهنگی جامعه دفاع کنند، بلکه با ارائه الگویی جذاب و عمیق، نسل جوان را به سوی معارف ناب اسلامی و روحیه حماسی جذب و هدایت نمایند. بر همین اساس، ضرورت دارد که بیش از پیش به تبیین ظرفیت‌های بی‌نظیر هیأت‌ها و نقاط ضعف و چالش‌های پیش روی آن پرداخته شود.

متن پیش‌رو حاصل گفتاری از حجت‌الاسلام‌والمسلمین یاسر ماهری است که در رابطه با ضرورت گذر از هیجانات و احساسات سطحی به سوی حماسه‌آفرینی عقلانی و تلفیق شور و شعور در هیأت ایراد گردیده است.


جامعه کسائی مشعر
زنجان؛ حسینیه اعظم؛
تیرماه ۱۴۰۲
هفدهمین همایش مدیران هیات‌های محوری و گروه کشور
السلام علی الحسین
وعلی علی بن الحسین
وعلی اولاد الحسین
وعلی اصحاب الحسین

از فتنه‌ها و آزمایش‌ها در آخرالزمان نگران نباشید
[و از پیچیدگی‌های اجتماعی آن فرار نکنید]؛
چراکه موجب نابودی منافقان خواهد شد
[و باعث می‌شود جامعه مؤمنان عمیق‌تر و صالح‌تر گردد]

فوائد فتنه‌ها

بشارت رسول مکرم اسلام ﷺ درباره فتنه‌های آخرالزمان، برای جامعه امروز ما بسیار امیدبخش بوده و در سال‌های اخیر به‌طور ملموس درک می‌شود و قابل تحلیل و اثبات است؛ یعنی چیزی نیست که ما تفأل بزنیم و بگوییم ان‌شاءالله این‌گونه باشد. خیر! امروز ما این بشارت را می‌توانیم با تمام وجود حس کنیم که آن حضرت فرمود: «لاتَکرَهُوا الفِتنَةَ فِی آخِرِالزَّمانِ فَاِنَّها تُبیرُ المُنافِقین[1]»؛ از فتنه‌ها و آزمایش‌ها در آخرالزمان نگران نباشید [و از پیچیدگی‌های اجتماعی آن فرار نکنید]؛ چراکه موجب نابودی منافقان خواهد شد [و باعث می‌شود جامعه مؤمنان عمیق‌تر و صالح‌تر گردد].

---

۱. میزان‌الحکمه، ج۹، ص۴۰.

با این توصیف، آنچه اخیراً رخ داد را نمی‌توان فتنه نامید؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب نیز چنین عنوانی برای آن به کار نبردند؛ زیرا مسئله پیچیده‌ای نبود، اما با این حال برکات زیادی داشت. یکی از برکات مهم این رویدادها، روشن‌سازی اهمیت مسئله فرهنگ بود. فرهنگ، اصلی‌ترین مسئله جامعه است که می‌تواند چالشی‌ترین مسائل امنیتی را ایجاد نموده و مشکلات اقتصادی را پیچیده‌تر کند و همچنین در سایر مسائل نیز تأثیرگذار باشد. این اهمیت تا جایی است که حضرت آقا فرمودند: «فرهنگ همان چیزی است که حاضرم در راهش کشته شوم[1]».

در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ مشاهده کردیم که دو محور اصلی وجود داشت: اول «مسئله حجاب» و دوم «هدف قرار دادن نوجوانان»؛ حجاب بهانه‌ای برای به بازی گرفتن و دست‌انداختن جوانان و نوجوانان در صحنه جامعه بود. در چنین هجمه‌ای، تردیدی نیست که بزرگ‌ترین ثروت و پشتوانه فرهنگی ما، هیأت‌های مذهبی هستند که توانایی مقابله با این جریانات را دارند؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: «گسترده‌ترین نیروی انسانی در اختیار شماست[2]».

---

۱. بیانات در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۲۳؛ «فرهنگ و صف‌آرایی فرهنگی در مقابل دشمن آن چیزی است که بنده هم اگر در راه آن کشته شدم، احساس می‌کنم که در راه خدا کشته شده‌ام. هرکس در این راه کشته شود، در راه خدا کشته شده و هرکس در این راه، زحمتی متحمّل شود، در راه خدا متحمّل شده است. مسأله، مسأله کوچکی نیست... نقش فرهنگ به نظر من یک نقش تعیین کننده و اساسی است و ما امروز مورد تهاجم هستیم».

۲. بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۰۱؛ «امروز فرصت‌های بزرگی داریم؛ یکی از بزرگ‌ترین فرصت‌های ما مربوط می‌شود به نیروی انسانی کارآمد و مبتکر که در کشور ما بحمدالله به وفور و فراوانی، نیروی کارآمد و عمدتاً جوان و دارای ابتکار و روحیه وجود دارد».

توجه به ظرفیت رسانه‌ای

کارشناسان رسانه هشـدار می‌دهند که ما در تقابل رسـانه‌ای نه تنها ضعیف، بلکه عملاً هیچ هستیم؛ به این معنا که ما در برابر دسـتگاه عظیم رسانه‌ای دشـمن، تقریباً هیچ داراییِ قابل مقایسـه‌ای نداریم. رسـانه‌های اصلی در اختیار ما نیسـت، اما یک برتری حیاتی داریم و آن این است که میدان در دستان ماست.

بزرگترین اشـتباه این اسـت که داشـته‌ها و میدان اصلی خود را فراموش کنیـم و بخواهیم در زمینی شـبیه زمین دشـمن، با او رقابت کنیم. مقصود این نیسـت که در عرصـه مجازی نباید فعال بود؛ قطعـاً در این عرصه نیز بایـد فعالیت کرد، امـا ثروت ما فقط فضای مجازی نیسـت. پتانسیل عظیم و بی‌همتای ما در هیأت‌های مذهبی نهفته است. شیطان نمی‌تواند هیأت‌ها را از شـما بگیرد، اما می‌کوشد استفاده شـما از این نهاد را به حداقل برسـاند و بهره‌وری از این سرمایه عظیم را کاهش دهد. یکی از بزرگترین پتانسیل‌های هیأت‌ها، این است که [بر اساس

در برابر دستگاه عظیم رسانه‌ای دشمن،

تقریباً هیچ دارایی قابل مقایسه‌ای نداریم.

رسانه‌های اصلی در اختیار ما نیست،

اما یک برتری حیاتی داریم و آن این است که میدان در دستان ماست.

مبانی انسان‌شناسی اسلامی]، یک نگاه مثبت به همه ویژگی‌هایی انسان دارد؛ به این معنا که ما هیچ ویژگیِ مطلقاً منفی در انسان نداریم. هر ویژگی و غریزه انسانی، فرصت و ظرفیت بهره‌برداری مثبت و جهت‌دهی در مسیر صحیح را نیز دارد، برخلاف نگاه غربی که برخی از ویژگی‌ها و غرایز انسانی را کاملا منفی می‌نگرد.



مدیریت هیجانات

بی‌تردید، یکی از نقاط ضعف ما در جبهه فرهنگی، مدیریت نادرست هیجان مخاطب به‌ویژه نسل جوان است. ما در این حوزه کم‌کاری کردیم و دشمن با شناخت این ضعف، از فضای هیجانی در اغتشاشات اخیر بهره برد. مشکل اصلی این است که در نگاه حاکم بر مدیریت کشور و حتی برخی بخش‌های فرهنگی، به هیجان به عنوان یک پدیده منفی یا یک زباله نگاه می‌شود که باید تخلیه شود. این نگرش کاملاً اشتباه است که باید با گفتمان‌سازی اصلاح شود. هیجان، مانند هر ویژگی انسانی دیگر، دارای دو کارکرد مثبت و منفی است. اگر بخواهیم از کارکرد منفی آن در امان بمانیم، باید راهکار فعال کردن کارکردهای مثبتش را بلد باشیم. اگر ما نتوانیم کانال‌های صحیح جهت‌دهی به هیجانات عمومی را ایجاد کنیم، دشمن از این خلأ سوءاستفاده خواهد کرد. مثال بارز این مسئله، تأکید مکرر رهبر معظم انقلاب بر پرهیز مداحان از استفاده از آهنگ‌ها و سبک‌های غربی در مراسم مذهبی است. ایشان یک سخنران

مشکل اصلی این است که در نگاه حاکم بر مدیریت کشور و حتی برخی بخش‌های فرهنگی، به هیجان به عنوان یک پدیده منفی یا یک زباله نگاه می‌شود که باید تخلیه شود.

حکیم و مخاطب‌شناس هستند. اگر با یک بار گفتن، مسأله حل می‌شد دیگر تکرار نمی‌کردند. علت تکرار هر ساله این مسئله در کلام حضرت آقا و حل نشدن آن تاکنون، این است که برخی از ستایشگران هنوز به این درک نرسیده‌اند که هیجان جوان را نباید صرفاً با سبک‌های کاذب و وارداتی تخلیه کرد، بلکه باید آن را با ابزارهای اصیل و مبتنی بر معارف دینی، هدایت و به خدمت گرفت.



هیجان اصیل

شاید سؤال پیش بیاید که چرا استقبال از برخی مداحی‌ها پرشور بوده و در مقابل، سخنرانی‌ها کم‌رونق شـده‌اند؟ چرا در سـخنرانی‌های ما ده، دوازده نفـر می‌نشینند، ولـی مداح‌ها، صدها و بلکه هزاران مخاطب دارند؟ علتش این است که در سخنرانی‌های خشک و بی‌حرارت، هیجان مخاطب، هیچ کانال و اتصال مثبتی پیدا نمی‌کند. هیجان می‌تواند در خدمت تفکر و معنویت قرار گیرد. ما باید بیاموزیم که می‌توان جوان را با هیجان تفکر و معنویت عمیق، به شور و حالی رسـاند که حتی از هیجان مراسـم سینه‌زنی نیز اصیل‌تر و ماندگارتر است. البته وقتی صحبت از منبر هیجانی می‌شـود، به این معنا نیسـت که با ساختارشـکنی و بیان مطالب سخیف و و غیرمتعارف، مخاطب را جذب نماییم. کارکرد منبر اینگونه نیست. منبر، جایگاه اندیشه و شور ایمانی است. هیجان مطلوب در آن، حاصل اصالت پیام و حرارت بیان واعظ است.

ما باید بیاموزیم که می‌توان جوان را با هیجان تفکر و معنویت عمیق، به شور و حالی رساند که حتی از هیجان مراسم سینه‌زنی نیز اصیل‌تر و ماندگارتر است.

متأسفانه غربی‌ها با وجود باطل بودن، تکنیک‌هایی برای مدیریت هیجان دارند و حال آن که ما علی‌رغم برخورداری از حقانیت و دارا بودن تکنیک‌های مشابه، تنها به دلیل گفتمان‌سازی نکردن و به کارنگرفتن این روش‌ها، در این عرصه ضعیف عمل کرده‌ایم. با حلوا حلوا گفتن دهن شیرین نمی‌شود. اگر راهکارهای درستِ استفاده از هیجان نوجوان و جوان را بیابیم و اجرا کنیم، بستری بسیار قدرتمند و جذاب برای تربیت نسل جدید فراهم می‌شود، به‌گونه‌ای که هیچ برنامه‌ای از سوی دشمنان نخواهد توانست در برابر آن تاب بیاورد. ضعف امروز ما نه به دلیل قدرت ذاتی باطل، بلکه به این دلیل است که حق هنوز به طور کامل به میدان نیامده است. هر جا حق به میدان بیاید باطل یارای مقاومت ندارد؛ همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا[1]»؛ و بگو حق آمد و باطل نابود شد، زیرا باطل همواره نابودشدنی است. هرگاه حق به‌طور کامل به میدان بیاید، باطل هیچ توانی برای مقاومت در برابر آن نخواهد داشت.

۱. اسراء،۸۱.

لزوم توجه به قشر نوجوان

نوجوان، فردی است که در مرحله‌ای حساس از عمرش به سر می‌برد؛ از یک سو، ویژگی‌های کودکی را به طور کامل رها نکرده و از سوی دیگر، نشانه‌های پختگی جوانی را به تمامی به دست نیاورده است.

من در این نشست، روی دو عنوان خیلی تأکید دارم؛ یکی «روحیه حماسی» و دیگری «بحث نوجوان». درباره اهمیت بحث نوجوان، با توجه به آشوب‌ها و غوغای چند سال گذشته، دیگر کمتر نیاز به توضیح است. امروز برای همگان روشن و مبرهن شده که بی‌توجهی به این قشر، می‌تواند به پاشنه آشیل و نقطه ضعف امنیت یک جامعه تبدیل شود. این واقعیت، سخن پیامبر اکرم ﷺ را به یاد می‌آورد که فرمودند: «عَلَیْکُمْ بِالْأَحْداث[1]»؛ سرمایه‌گذاری اصلی خود را بر روی اَحداث (نوجوانان) قرار دهید. توجه کنید که «اَحداث» با «شباب» (جوانان) تفاوت دارد. امروز قدرت نوجوان به معنای واضح کلمه کاملاً روشن شده، لذا دیگر ضرورتی نمی‌بینم که بر چراییِ توجه به نوجوان در هیأت‌ها تأکید کنم. اما نوجوان دقیقاً کیست؟ نوجوان، فردی

---

۱. کافی، ج ۸، ص۹۳.

است که در مرحله‌ای حساس از عمرش به سر می‌برد؛ از یک سو، ویژگی‌های کودکی را به طور کامل رها نکرده و از سوی دیگر، نشانه‌های پختگی جوانی را به تمامی به دست نیاورده است. تکلیفش با خودش و ارتباطات پیرامونی‌اش مشخص نیست. این دوره، طلایی‌ترین و بحرانی‌ترین فصل زندگی هر انسان است؛ همچون زمینی مستعد و بکر که هر بذری در آن بکاری، به سرعت ریشه می‌دواند و رشد می‌کند.

البته این تعریف گاهی بخشی از جوانان را نیز در بر می‌گیرد، چرا که در شرایط فرهنگی ما، بسیاری حتی در سنین بالای هفده ـ هجده سال هنوز هویت و رابطه خود با جهان اطراف را به درستی تعریف نکرده‌اند. با این حال، به طور معمول، بازه سنی نوجوانی را بین دوازده تا هجده سال در نظر می‌گیریم.



روحیه حماسی

روحیه حماسی به چه معناست و چرا ضرورتی دارد؟ آنچه ما در بسیاری از هیأت‌ها شاهدش هستیم، بیشتر هیجان است و کمتر حماسه دیده می‌شود، اما متأسفانه به دلیل درک نادرست از این مفهوم، آن را با هیجان یکی می‌پنداریم و بر همان اساس حرکت می‌کنیم، در حالی که حماسه با هیجان تفاوت دارد.

نوجوانان قشری هستند که در اوج ذخیره هیجانی خود قرار دارند، اما هیجان، زباله نیست که نیاز به تخلیه داشته باشد. در نگاه دینی، همه ظرفیت‌های انسان، از جمله هیجان، می‌تواند کارکردی مثبت داشته باشد. اما در تمدن غربی، هیجان به عنوان یک عنصر زائد در نظر گرفته می‌شود که باید تخلیه شود. این نگاه حتی در مدیریت

حماسی یعنی این که شما از انرژی شورانگیز جوان و نوجوان استفاده کنید و آن را در مسیری درست هدایت نمایید تا هدفی بزرگ و ماندگار را محقق سازید.

داخلی ما نیز گاهی رخنه کرده است. نمونه بارز آن، توجیه هزینه‌های کلان برای ورزشی مانند فوتبال در مقایسه با ورزش‌های کم‌هزینه‌تر اما پرافتخار است. وقتی می‌پرسیم چرا چنین هزینه‌ای صرف می‌شود، پاسخ آنان این است که کدام ورزش مانند فوتبال می‌تواند هیجان جوانان را تخلیه کند؟ این پاسخ، ظاهری منطقی اما مبنا و پیش فرضی کاملاً غلط دارد. مگر هیجان، زباله است که باید تخلیه شود؟ هیجان در حقیقت، همان انرژی و نشاط بروزیافته انسان است که به هیچ وجه زائد نمی‌باشد. ما با کارهای هیجانی مخالف نیستیم، بلکه با تخلیه هیجان مخالفیم؛ این که تمام هیجان یکجا تخلیه شود. آیا از هیجان نباید استفاده کرد؟! آیا هیجان کارکرد مثبت ندارد؟! قطعاً دارد. اگر بتوانیم از شور و انگیزه و هیجان در مسیر رسیدن به مقاصد مثبت بهره ببریم، به شدت کارکرد بالایی پیدا خواهیم کرد. بنابراین می‌توان گفت حماسه یعنی استفاده عقلانی و هدفمند از هیجان و کار حماسی یعنی این که شما از انرژی شورانگیز جوان و نوجوان استفاده کنید و آن را در مسیری درست هدایت نمایید تا هدفی بزرگ و ماندگار را محقق سازید. اینجاست که هیجان از حالت احساسی و زودگذر به موتور محرکِ موفقیت تبدیل می‌شود.

تلفیق شور و شعور

هیأت جایگاهی است که باید شور و شعور (عاطفه و عقلانیت) را با هم ترکیب نماید.

خلأ امروز ما در منبرها و هیأت‌ها، غالباً فقدان هیجان مثبت و جذابیت لازم است. هیجانی که مدیریت‌شده و همراه با احساس و معنویت باشد. مثال واضح آن، نماز پراحساس مرحوم آیت‌الله بهجت بود که با گریه و حالت‌های معنوی همراه بود و اثر آن تا مدت‌ها در افراد باقی می‌ماند؛ چرا؟ چون احساس ایشان در نماز بروز پیدا می‌کرد. این هیجان، برخلاف شور خالی و بی‌محتوا، تأثیر عمیق و پایداری دارد.

هیأت جایگاهی است که باید شور و شعور (عاطفه و عقلانیت) را با هم ترکیب نماید. ما بارها این حرف را شنیدیم اما اهمیتش را درک نکردیم. هیأت تراز و استاندارد، تلفیق این دو در بالاترین سطح است، همان‌طور که در واقعه کربلا شاهد آن بودیم. حرکت امام حسین علیه‌السلام در کربلا، کاری عاقلانه و در عین حال عاشقانه بود؛ آن حضرت که از عقل کامل بهره برده و از عشق ناب سرشار بود، با ترکیب این دو عنصر، حماسهٔ کربلا را به وجود آورد. جاذبهٔ اصلی کربلا،

فقط مظلومیت نیست، بلکه حماسه است. مظلومیت به تنهایی ممکن است احساسات را برانگیزد، اما وقتی با حماسه عجین شود، اثرش ماندگار و حرکت‌آفرین می‌شود. (مقایسه کنید با مظلومیت طولانی‌مدت مردم فلسطین که به اندازهٔ کربلا تأثیر جهانی نگذاشته است).

متأسفانه برخی از مداح‌های امروز، فقط به تخلیه هیجان می‌پردازند و هیأت را از حماسه به شور محض تقلیل می‌دهند. این کار، در حقیقت اسراف در محبت به ابی‌عبدالله علیه‌السلام است؛ یعنی از این محبت، استفاده بهینه و حداکثری نمی‌بریم و این دقیقاً همان برنامه‌ای است که شیاطین برای هیأت‌ها دارند که حماسه را از هیأت‌ها حذف نمایند و شور و احساسات بی‌پشتوانه را جایگزین آن کنند.

ما شور را انکار نمی‌کنیم و با آن مخالف نیستیم، بلکه معتقدیم شور باید در اوج خود و در کنار عقلانیت و حماسه قرار گیرد تا بتواند اثر واقعی و ماندگاری داشته باشد.

احساسات سطحی

بعضی‌ها بین عقل و عشـق دوگانگی فرض می‌کنند و با افتخار می‌گویند: ما دیوانگان عشـق حسینیم و کاری با عقلا نداریم، در حالی که چنین نگرشـی کاملاً اشـتباه است. عقل نه تنها از کربلا خارج نیست، بلکه کربلا اوج نمایش عقلانیت است. همان طور که در شعر هم آمده:

هر که از عشق تو دیوانه نشد عاقل نیست عاقل آن است که از عشق تو دیوانه شود

عقل در مکتب کربلا به این معناست که ما از احساسات و عواطف خود، به شکل عاقلانه و مدیریت‌شده استفاده کنیم، نه این که آن را سرکوب یا نادیده بگیریم. لـذا در تعابیر رهبر معظم انقلاب نیز بسیار دیده می‌شـود که به این معنا اشـاره کردند؛ ایشـان بارهـا از مدح‌ها و تمجیدهای بی‌معنا و جذب جوانان به سمت چشم و ابروی حضرت عباس علیه‌السلام منع نمودند.[1]

عقل در مکتب کربلا به این معناست که ما از احساسات و عواطف خود، به شکل عاقلانه و مدیریت‌شده استفاده کنیم، نه این که آن را سرکوب یا نادیده بگیریم.

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان در تاریخ ۱۳۸۴/۰۵/۰۵؛ «چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، اسـتفاده از مدح‌ها و تمجیدهای بی¬معناسـت که گاهی هم مضر اسـت. فرض کنید راجع به حضرت اباالفضل صحبت می¬شـود؛ بنا کنند از چشـم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن؛ مثلاً قربون چشمت بشم! مگر چشم قشنگ در دنیا کم اسـت؟ مگر ارزش اباالفضل به چشـم¬های قشنگش بوده؟! اصلاً شما مگر اباالفضل را دیده‌اید و می¬دانید چشمش

هدف ایشـان از ایـن بیانـات، سـرکوب احساسـات جوانان نیسـت، بلکه هشـدار اسـراف در احساسـات اسـت. ایشـان می‌خواهنـد از تبدیـل شـدن عشـق بـه یک احسـاس سـطحی و بی‌پشتوانه جلوگیری کنند و ما را به سوی عمق و حماسه واقعی کربلا سوق دهند.

بی‌تردید، هیأت موفق هیأتی اسـت کـه به جای تخلیـه احساسـات، آن را تقویت کنـد. اما این تقویت چگونه اتفاق می‌افتد؟

پاسخ این سؤال در تبیین جایگاه احساسات به عنوان «سـوخت رفتار انسان» نهفته است. انسـان‌ها بر پایه علاقه و اشتیاق خود عمل می‌کنند، نه صرفاً بر اسـاس دانسته‌های عقلانی؛ بنابراین تا زمانی که معرفت به عشـق تبدیل نشـود، تحولی در عمل پدید نمی‌آید؛ لذا هیأت، با پیوند زدن احساسـات به کانون عقل و حکمت (اهل‌بیت علیهم‌السلام)، بی‌نظیرترین ظرفیت را برای هدایت و تقویت این نیرو داراست. اما معیار سنجش موفقیت در این مسیر چیست؟ نشانهٔ واضح آن، تأثیر محسوس در زندگی اسـت. اگر مخاطب پس از حضور در هیأت، در عرصه‌های گونـاگون زندگـی خـود (از تحصیـل و کار تـا روابـط خانوادگـی و اجتماعی) رشـد و تـحول مثبت احسـاس کند، به این معناست که احساسـاتش در مسیر درستی هدایت شـده است. مثلا اگر استعداد درس خواندن دارد، هیأت به او انگیزه‌ای مضاعف و نظمی والاتر می‌دهد تا بیشتر مطالعه کند؛ بنابراین هیأت واقعی، هیأتی اسـت که نه تنها در لحظـه، شور می‌آفریند، بلکه بر زندگی مخاطب نور می‌پاشد و او را در مسیر بالندگی قرار می‌دهد.

چگونه بوده؟! این‌ها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست».

بهبود روابط خانوادگی

شـرکت در هیأت باید تأثیـر مثبت و ملموسـی بر تمامـی ابعاد زندگی فرد داشـته باشـد. اگر کسی پس از حضور در هیأت، در روابط خانوادگی خود بهبودی احساس نکند، این یک زنگ خطر اسـت. متأسـفانه گاهی می‌بینیم فـرد پس از هیـأت، حتی حوصلـه خانـواده‌اش را هم ندارد؛ این نشـان‌دهنده این اسـت که در هیأت به جای تقویت احسـاس، تخلیه احساسی صورت گرفته است.

از لحظـه‌ای که ما به هیـأت می‌رویـم، باید ظرفیت محبـت خانوادگی‌مـان تقویت یابـد و باعث شود همسر و فرزندانمان بهره بیشـتری از ما ببرند. متأسفانه برخی همسـران از هیأت رفتن شوهرشان گله دارند؛ علتش این است که هیچ تأثیری از هیأت رفتن همسرشان نمی‌بینند. این مسئله کم‌کم به چالشی بزرگ برای بسیاری از هیأتی‌ها تبدیل شده و گاه سبب مخالفت خانواده‌ها با حضور آنان در هیأت می‌شود؛ در حالی که اگر همسر ببیند هیأت‌رفتن شوهرش

از لحظه‌ای که ما به هیأت می‌رویم، باید ظرفیت محبت خانوادگی‌مان تقویت یابد و باعث شود همسر و فرزندانمان بهره بیشتری از ما ببرند.

موجب بهتر شدن اخلاق و رفتار او در خانه شده، قطعاً خودش مشوّق شرکت در هیأت خواهد شد.

پس باید هیأت به فضایی تبدیل شود که فرد پس از آن، در عمل، پدری دلسوزتر، همسری بهتر و انسانی متعهدتر و مسئولیت‌پذیرتر شود. این‌گونه هم رضایت خانواده جلب می‌شود و هم پیام اصلی عاشورا به درستی به نسل‌ها منتقل می‌گردد.



انتقال حماسه

ارزش کربلا به احساس نیست، بلکه به حماسه است. هدف هیأت نیز باید انتقال حماسه باشد. مهم‌ترین راه استفاده از ظرفیت‌های هیأت برای تقویت روحیه حماسی مخاطبان، تمرکز بر انتقال پیام ایستادگی، وفاداری و عمل به وظیفه می‌باشد، نه این‌که فقط به تحریک اشک و برانگیختن احساسات زودگذر پرداخته شود. همانطور که رهبر معظم انقلاب نیز اشاره فرمودند، نباید عشق مردم به حضرت عباس(ع) را فدای چشم ندیده او کرد. عظمت حضرت عباس(ع) به چشمان زیبایش نیست بلکه به آب نخوردن اوست که اوج حماسه و وفاداری است. اگر در هیأت صرفاً بر جنبه‌های احساسی ماجرا تکیه کنیم، در واقع روح حماسی قهرمانان کربلا را سانسور کرده‌ایم؛ اما اگر مخاطب را با فداکاری و ایثار حضرت عباس(ع) تحت تأثیر قرار دهیم، او را به اصل ولایتمداری و عمل به وظیفه متوجه ساخته‌ایم. همچنین عظمت حضرت زینب(س) نیز به احساسات ایشان نیست، بلکه به نقش حماسی و تاریخی آن حضرت بازمی‌گردد؛ والّا احساسات خواهرانه در هر زمان و مکانی ممکن است وجود داشته باشد.

مهم‌ترین راه استفاده از ظرفیت‌های هیأت برای تقویت روحیه حماسی مخاطبان، تمرکز بر انتقال پیام ایستادگی، وفاداری و عمل به وظیفه می‌باشد، نه این‌که فقط به تحریک اشک و برانگیختن احساسات زودگذر پرداخته شود.



حماسه غزه

طوفان الاقصی بمبی بـود که امواج آن تنها اسـرائیل و آمریـکا را دربرنگرفت، بلکه مـا نیز درگیر امواج آن شدیم. ما هنوز در پیامدهای این عملیات به سر می‌بریم و هنوز به درستی نمی‌دانیم چه رخ داده اسـت. بگذارید برایتان دقیق‌تر توضیح دهم: مردم فلسطین ۷۵ سال است که با رژیم صهیونیسـتی مبارزه می‌کنند؛ چرا آن مبـارزات در طول این مدت چنین تأثیری نداشـت؟ چرا چنین بازتاب جهانی پیـدا نمی‌کرد؟ مگر امروز رسـانه‌ها چه چیزی را منتقـل می‌کنند که در گذشـته نمی‌کردند؟ رسـانه قبلاً مظلومیت‌ها را منتقل می‌کرد. انتقال مظلومیت کار سـختی نیسـت، این انتقال حماسـه اسـت که کاری دشـوار و پیچیده می‌باشـد. مـا می‌توانیـم هر روز تصاویر کودکان کشته‌شده را مخابره کنیم؛ این مظلومیت است. اما امام خامنه‌ای بلافاصله

پس از بمباران فرمودند: «مظلومیت یک روی سکه غزه است[1]» ایشان به خوبی آگاهند که چه می‌کنند. مواظب باشید مردم تنها از روی ترحم برای غزه اشک نریزند! اکنون بزرگ‌ترین فرصت است تا آن روحیه حماسی در مردم بیدار شود. همین برانگیخته شدن روحیه حماسی است که باعث شده امروز حتی در قلب غرب، مردم به خیابان‌ها بیایند و در مقابل مراکز قدرت تظاهرات کنند. این تجمعات در لندن و دیگر شهرها عادی نیست؛ این‌ها مردمی هستند که با وجود خطر زندان و جریمه، بدون هیچ تحریک مستقیمی، تنها تحت تأثیر حماسه غزه به پا خاسته‌اند.

مواظب باشید مردم تنها از روی ترحم برای غزه اشک نریزند! اکنون بزرگ‌ترین فرصت است تا آن روحیه حماسی در مردم بیدار شود.

۱. بیانات در دیدار ائمه جمعه در تاریخ ۲۶ /۱۰/ ۱۴۰۲؛«امروز دنیا تحت تأثیر مبارزات مردم غزّه و فلسطین است. دنیا به این مردم به چشم قهرمان نگاه می‌کند؛ این‌ها قهرمانند. مردم دنیا دو چیز را در مورد مردم غزّه و فلسطین، در کنار هم قبول دارند: یکی اینکه این‌ها مظلومند، یکی اینکه این‌ها پیروزند؛ هیچ کس امروز در دنیا نیست که تصوّر کند رژیم غاصب خبیث صهیونیست، در جنگ غزّه پیروز شده؛ همه می‌گویند شکست خورده است.»

ارتباط حماسه و تعقل

در بررسی جریان هیأت‌های مذهبی، چه در منابر و چه در مداحی‌ها، متأسفانه باید گفت که به نظر می‌رسد هیأت به سمت احساساتِ صرف تنزل یافته است. هیأت در جایگاهی است که اگر محلِ حماسه باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند به آن تهمت احساساتی‌بودنِ محض بزند؛ زیرا حماسه هیچ‌گاه از عقلانیت جدا نمی‌شود. کار حماسی چیست؟ کاری است که از تمام انگیزه و شور انسان، به‌گونه‌ای عقلانی بهره می‌گیرد، گاهی انسان‌ها تصمیمی منطقی می‌گیرند، اما آن شور و حرکت لازم را ندارند؛ در این صورت حماسه‌ای رخ نمی‌دهد. گاهی نیز شور و احساس فراوان است، اما منطق و تدبیر در کار نیست؛ باز هم حماسه‌ای شکل نمی‌گیرد. به همین دلیل است که بر دو عنصر شور و شعور، یا عقلانیت و عاطفه، در هیأت تأکید داریم. وقتی این دو در هم بیامیزند، حماسه‌ای مانند کربلا پدید می‌آید.

در دوران دفاع مقدس نیز، وقتی یک رزمنده تصمیم می‌گرفت روی مین بخوابد این گونه نبود که از جان گذشته و یا از زندگی خسته شده باشد، بلکه او در حال آفرینش حماسه بود. این‌طور نبود که همیشه بچه‌های ما به معبر برسند روی مین بخوابند. نه، ما اطلاعات عملیات داشتیم، معبر می‌زدیم، اما بعضی از مواقع وسط عملیات به یک جایی می‌رسیدیم که نه نیرویی برای باز کردن معبر داشتیم و نه فرصت کافی باقی مانده بود، در آن حال، میان شکستِ کامل عملیات یا شهادت یک رزمنده می‌ماندیم که یک نفر تصمیم می‌گرفت روی مین بخوابد؛ تصمیمی که نه یک حرکت احساسیِ کور، بلکه انتخابی عقلانی در بحرانی‌ترین شرایط بود.

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: [عقلانیت] شاخصی روشن دارد و هر کسی نمی‌تواند ادعای عقلانیت کند.

حماسه یعنی عقل، احساسات را به طور کامل کنترل و مدیریت می‌کند؛ البته نه به معنای سرکوب بلکه به این معناست که نهایت استفاده را از آن می‌برد.

عقلانیت چیست؟ عقلانیت در اسلام چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: شاخصی روشن دارد و هر کسی نمی‌تواند ادعای عقلانیت کند. عقلانیت واقعی آن است که احساسات را در مسیری حکیمانه هدایت کند. نمونه اعلای این تلفیق را در کتاب «سقای آب و ادب» می‌بینیم؛ حجم زیادی از این کتاب، حدیث نفس (گفتگوی درونی) حضرت عباس علیه‌السلام با خودش است. نویسنده ابتدا، دلایلی می‌آورد که چرا حضرت عباس علیه‌السلام باید آب می‌نوشید و خواننده ممکن است با خود بیندیشد که چرا ایشان آب نخورد؟ اما پس از آن، دلیل خود آن حضرت را برای آب نخوردن بیان می‌کند و خواننده در برابر این حماسه سر تعظیم فرود می‌آورد.

این منطق حماسی در جای‌جای حرکت امام حسین علیه‌السلام نیز دیده می‌شود؛ چرا ایشان به بصره یا یمن نرفت؟ چرا مستقیماً به نقطه کانونی رفت؟ آیا این تصمیم، شتاب‌زده و بی‌محاسبه بود؟ خیر؛ این همان عقلانیت متعالی است که احساس مسئولیت و رسالت را با بینشی عمیق در هم آمیخت و حماسه‌ای جاویدان آفرید.

هیأت نیز باید به چنین جایگاهی بازگردد؛ جایی که شور و شعور، عاطفه و عقلانیت، با هم تلفیق شوند و نه تنها مظلومیت، بلکه حماسه ایمان و آگاهی را به نمایش بگذارد.

آیا هدف از مداحی صرفاً برانگیختن احساسات و اشک است یا باید از این احساسات به شکل عقلانی برای دستیابی به اهداف مهم‌تر استفاده کرد؟

اولویت‌سنجی

گاهی اوقات تصور ما از کارهای هیأتی، فعالیت‌های بی‌نظم و بدون برنامه است و خیال می‌کنیم هیأت یک مجموعه بی‌در و پیکر می‌باشد، در حالی که چنین برداشتی به هیچ وجه صحیح نیست؛ بلکه هیأت به معنای نظام، تشکل و مجموعه سازمان‌یافته بوده و کار هیأتی نیز در حقیقت به معنای فعالیتی مبتنی بر عقلانیت، برنامه‌ریزی و استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌هاست.

استفاده از ظرفیت حماسی هیأت همان چیزی است که امام خمینی﵀ بر آن تأکید کرده و فرمودند: «ماه محرّم و صفر،... ماه زنده ماندن اسلام است.... محرّم و صفر است که اسلام را نگه داشته است[1]»، «ما هر چه داریم از این محرم است[2]»؛ یعنی انقلاب ما برخاسته از حرکت

۱. صحیفه امام، ج۱۵، ص۳۳۰.
۲. صحیفهٔ امام، ج ۱۷، ص ۵۸.

امام حسین(ع) بوده و بسیاری از دستاوردهای انقلاب اسلامی مرهون همین فضاهای معنوی و حماسی است. به عنوان مثال، دسته‌های عزاداری در محله‌هایی مانند چهارراه مولوی، تنها نمایش احساسات نبود؛ بلکه عقلانیتی بود که در خدمت اهداف بزرگ‌تر قرار می‌گرفت. شعرها و شعارهایی که خوانده می‌شد، نشان از درک عمیق اولویت‌ها داشت. این‌که در آن لحظه از کدام احساس و برای چه هدفی استفاده کنیم، عقلانیت می‌خواهد.

مداح باید مدام از خود بپرسد که آیا هدف از مداحی صرفاً برانگیختن احساسات و اشک است یا باید از این احساسات به شکل عقلانی برای دستیابی به اهداف مهم‌تر استفاده کرد؟ بر اساس روایتی از امیرالمؤمنین(ع)، کار عقل تنها تشخیص خوب و بد نیست؛ بلکه کمال عقل در تشخیص بد از بدتر است؛[1] کسی که بتواند از میان دو بد، آن را که ضررش کمتر است، بشناسد. عقلانیت به معنای این است که در هر لحظه، بهترین و ضروری‌ترین کار، شناسایی گردد. بنابراین، شجاعت یا تلاش در جایی که در اولویت نباشد، ارزش واقعی ندارد.

در جلسه‌ای محضر آقای رحیم‌پور بودیم. ایشان می‌فرمودند: من هرچه در مورد اسلام فکر می‌کنم، بیشتر به این نتیجه می‌رسم که اسلام مخصوص نابغه‌هاست؛ یعنی شما باید نابغه باشید تا بتوانید تمام خواسته‌های اسلام را عمل کنید؛ زیرا یکی از مهم‌ترین مطالبات اسلام این است که مؤمن اولویت‌سنج باشد و در موقعیت‌های مختلف، اولویت‌ها را شناسایی

---

۱. بحار الانوار(ط-بیروت)، ج۷۵، ص۶؛ قال امیرالمؤمنین: «لَیْسَ الْعاقِلُ مَنْ یَعْرِفُ الْخَیْرَ مِنَ الشَّرِّ وَ لکِنَّ الْعاقِلَ مَنْ یَعْرِفُ خَیْرَ الشَّرَّیْنِ»؛ عاقل، آن نیست که خوب را از بد تشخیص دهد. عاقل، کسی است که از میان دو بد، آن را که ضررش کمتر است، بشناسد.

نموده و بهترین و مهم‌ترین کار را انجام دهد. اسلام دینی است که عقلانیت و اولویت‌سنجی را سرلوحه کار مؤمن قرار می‌دهد، لذا حضرت آقا نیز هر سال در دیدارهای سالانه با مداحان تذکر می‌دهند که بیشترین ظرفیت احساسات جامعه که بزرگترین سرمایه است در اختیار مداحان می‌باشد؛ این احساسات باید با عقلانیت و درک اولویت‌ها هدایت شود؛ زیرا این احساسات و علاقه‌ها هستند که رفتار انسان را مدیریت می‌کنند.



باید در مداحی‌ها و منبرها، وجه عقلانی و منطقی تمام آن چیزهایی که نوجوانان به آن عشق می‌ورزند، بیان گردد تا حماسه نهفته در آن آشکار شود.

تبیین مسائل

هیأت‌های مذهبی همواره از ارکان مهم نظام و جامعه ما بوده‌اند و نقش آن‌ها در حفظ روحیه انقلابی و حماسی انکارناپذیر است. اما پرسش اینجاست که آیا این هیأت‌ها به آن اوج مطلوب و جایگاهی که شایسته‌شان است دست یافته‌اند؟ اگر ما اولویت‌ها را به درستی تشخیص دهیم، یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای انتقال روحیه حماسی و انقلابی به نسل امروز، همین هیأت‌های مذهبی هستند.

امروز چرا می‌گوییم قشر نوجوان مهم‌اند و موضوعیت دارند؟ زیرا شور و علاقه آنان به کارهای حماسی در اوج است و کمتر با دغدغه‌های دیگر درگیرند. اگر این شور با عقلانیت همراه شود، می‌توان نوجوان را کاملاً جذب کرد. لذا باید در مداحی‌ها و منبرها، وجه عقلانی و منطقیِ تمام آن چیزهایی که نوجوانان به آن عشق می‌ورزند، بیان گردد تا حماسه نهفته در آن آشکار شود. به

عنوان مثال، قیام امام حسین(ع) در کربلا یک اولویت و انتخاب کاملاً عقلانی بود که باید برای مخاطب روشن شود.

در شرایط کنونی نیز باید دلایل عقلی و منطقی جریان مقاومت کاملاً برای قشر جوان و نوجوان تشریح شود، لذا رهبر انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید کردند که مقاومت هزینه دارد، اما هزینه سازش بیشتر است و انسان عاقل، راهی را انتخاب می‌کند که هزینه کمتری داشته باشد.[1] بسیاری فقط هزینه‌های مقاومت را مطرح می‌کنند، اما از هزینه‌های سنگین سازش سخنی نمی‌گویند. مقایسه غزه و کرانه باختری نمونه گویایی است؛ غزه با مقاومت خود ایستاده و روز به روز معتبرتر می‌شود، اما کرانه باختری با سیاست سازش، روز به روز اعتبار و استقلال خود را از دست داده است. حتی مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در دیدار با محمود عباس بلافاصله پس از پایان سخنان وی، در اقدامی نمادین، نخستین جمله خود را با تسلیت به ملت ایران آغاز کرد. این صحنه به روشنی نشان می‌دهد که سازش تا چه حد می‌تواند موجب تحقیر و از دست دادن جایگاه شود.

در شرایط کنونی نیز باید دلایل عقلی و منطقی جریان مقاومت کاملاً برای قشر جوان و نوجوان تشریح شود، لذا رهبر انقلاب(ع) در یکی از سخنرانی‌های خود تأکید کردند که مقاومت هزینه دارد، اما هزینه سازش بیشتر است و انسان عاقل، راهی را انتخاب می‌کند که هزینه کمتری داشته باشد.

۱. بیانات در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۹؛ «آن‌ها معتقدند تسلیم شویم تا دشمن علیه ما موذی‌گری نکند.... اما نمی‌دانند که هزینه تسلیم شدن بمراتب بیشتر از هزینه مقاومت کردن و ایستادگی کردن است. بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملّت‌ها ارزش دارد؛ امّا تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویّت شدن هیچ اثری ندارد.»

نقش ولیّ

همان‌طور که گفتیم، عقلانیت به معنای تشخیص اولویت‌هاست، بر همین اساس قرآن کریم می‌فرماید: «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً». هدف فقط انجام کار خوب نیست، بلکه انجام بهترین کار است. یک نوجوان هیأتی تراز کسی نیست که صرفاً کار بد نمی‌کند، بلکه کسی است که بهترین انتخاب‌ها را در زمان و مکان مناسب انجام می‌دهد. اگر روحیه حماسی به درستی در هیأت نهادینه شود، نوجوانان نه تنها جذب می‌شوند، بلکه بلندپروازی‌هایشان جهت‌دار و عاقلانه می‌گردد. در این صورت، مداح نیازی ندارد برای حفظ مخاطب جوان، به روش‌های غیراصولی مثل خواندن سبک‌های غیر متعارف متوسل شود؛ زیرا می‌داند اگرچه هدف، جذب حداکثری است، اما این که برای چه کسی و در کدام مسیر است، اهمیت

---

۱. هود، ۷.

بیشـتری دارد. هیچ‌گاه هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. تمام زندگی اهل‌بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام حسین علیه‌السلام، سرشار از حماسه است. اما متأسـفانه گاه ابعاد عقلانی این حماسه‌ها فراموش می‌شـود؛ ماننـد دلاوری امیرالمؤمنیـن علیه‌السلام در فتـح خیبر که فقط بُعد احساسـی آن برجسـته می‌شـود، در حالی که عظمت اصلی آن در تشـخیص اولویت و به کارگیری شجاعت در جایگاه صحیح نهفته است.

مهم‌ترین نقش ولـیّ جامعه، تعیین همین اولویت‌هاسـت و ایـن، بزرگترین نعمت برای یک امت اسـت؛ زیرا امتی که ولیّ دارد هیچ وقت اولویت‌ها را از دسـت نمی‌دهد. عقلانیت جامعه توسط ولیّ سامان می‌یابد. نمونه بارز امروزین این عقلانیت حماسی را در مقاومت می‌بینیم. هنگامـی کـه رسـانه‌هایی مانند بی‌بی‌سـی سـعی کردنـد حـزب‌الله لبنـان را به جنگ گسـترده بکشانند، مقاومت با هوشمندی و صبر، وارد عملیاتی حساب‌شـده و دقیق شد. آنان بدون برنامه و شـناخت از دشـمن اقدام نکردند. تمام اقدامات آنان از پیش طراحی شده بود، حتی آمادگی روحی مردم برای مقاوت و شهادت، بخشی از این عملیات گسترده است.

رابطـه امروز مقاومـت و رژیم اشـغالگر قدس، مانند کشـتی‌گیری اسـت که یک پهلـوان پرزور اما بی‌فن، توسـط کشـتی‌گیری ضعیف‌تر اما هوشـمند و فن‌دان بـر زمین زده می‌شـود. وقتی پرزور می‌بیند با فن شکسـت خورده، به زور متوسل می‌شود (مانند کشـتار غیرنظامیان). اما این عمل، نشـانه پیروزی نیسـت، بلکه اعتراف به ناتوانـی در میدان عقلانیت و تدبیر اسـت. حماسـه واقعـی، ترکیـب شـعور، برنامـه‌ریزی و شـجاعت در جایـگاه درسـت اسـت. بنابراین

مهم‌ترین نقش ولیّ جامعه، تعیین همین اولویت‌هاست

و این، بزرگترین نعمت برای یک امت است؛

زیرا امتی که ولیّ دارد هیچ وقت اولویت‌ها را از دست نمی‌دهد.

حماسه همیشه عقل‌محور است؛ به این معنا که با تشخیص دقیق اولویت‌ها و مدیریت هوشمندانه، از عمیق‌ترین احساسات و بالاترین شورها در جایگاه صحیح استفاده شود تا به شجاعت و دلاوری ختم گردد و الا اگر اقداماتی بدون پشتوانه تعقل و تفکر صورت گرفت، حتی اگر به ظاهر شجاعانه و جسورانه به نظر بیاید، در حقیقت حماقتی بیش نیست. چنین حرکاتی، هرچند پرسر و صدا باشند، ولی بی‌ثمرند. به عبارت دیگر، تنها زمانی که شعور و تدبیر بر شور و احساس پیشی بگیرد، اقدام ما رنگ حماسه به خود می‌گیرد؛ در غیر این‌صورت، تنها یک اقدام احساسی و بی‌حاصل است.

عرصه جهاد

هر کسی که کار خوبی انجام داد، دلیل بر این نمی‌شود که لزوماً مسلمان کاملی باشد. اسلام می‌گوید مسلمان واقعی و فعّال کسی است که هر کاری را در جایگاهِ صحیح خود و با رعایت اولویت انجام دهد. این عقلانیت را در الگوی حضرت زینب﵄ به وضوح می‌بینیم؛ ایشان در جایگاهی که عزاداری و گریه ضروری بود، می‌گریستند و در موقعیتی که باید قاطعانه به میدان می‌آمدند، گریه را کنار گذاشته و شور و احساسات را به شکلی منطقی هدایت می‌کردند. هیچ‌گاه شور و احساس بر شعور ایشان غالب نبود.

ظرفیت‌های معنوی و دینی انسان فقط در فضای جهاد و مبارزه در راه خداست که به جهش و شکوفایی کامل می‌رسد و فرد می‌تواند رشد شگفت‌انگیزی داشته باشد. انسانی که در بستر جهاد قرار می‌گیرد، یک شبه ره صد ساله را می‌پیماید.

ظرفیت‌های معنوی و دینی انسان فقط در فضای جهاد و مبارزه در راه خداست که به جهش و شکوفایی کامل می‌رسد و فرد می‌تواند رشد شگفت‌انگیزی داشته باشد. انسانی که در بستر جهاد قرار می‌گیرد، یک شبه ره صد ساله را می‌پیماید.

جهاد ابعاد مختلفی دارد؛ ساده‌ترین شکل آن، جهاد نظامی است که به دلیل ملموس بودنِ دشـمن، روحیه مقاومت را سریع‌تر برمی‌انگیزد. نمونه آشـکار آن را در نوجوانان غزه می‌بینیم که در بسـتر جهاد و مقاومـت پرورش یافته‌اند و از تمـام ظرفیت خود به صورت هوشـمندانه اسـتفاده می‌کنند. اگر کسـی ببیند که تمام جهان دشـمن او هسـتند، طبیعی است که دیگر زندگی عادی نخواهد داشـت و با تمام توان به میـدان بیاید. این روحیه حتـی از کودکی نیز القا می‌شود. به عنوان مثال، سـال‌ها پیش ویدیویی از یک مهدکودک اسرائیلی در دسترس بود که کودکان در آن شعر می‌خواندند: «بزرگ می‌شوم و عرب می‌کشم و خوشحال می‌شوم!». حال آنکه وقتی در مدارس ما شـعری مانند «سلام فرمانده» که بیانگر ارادت به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است مطرح می‌شـود، برخی از پیاده نظام‌های صهیونیزم در کشور فریاد «خشـونت» سـر می‌دهند. سـؤال اینجاسـت: کدام یک حاوی خشـونت اسـت؟ شـعر اول که آشـکارا به کشـتن دیگری دعوت می‌کند، یا شعری که بر محبت و تبعیت از یک رهبر الهی تأکید دارد؟

نکته اصلی این است که عرصه جهاد و مبارزه، ظرفیت‌های درونی انسان را آزاد و فعّال می‌کند. هرچه این عرصه گسترده‌تر و هدف بزرگ‌تر باشد، ظرفیت‌های آزادشده فرد نیز بیشتر خواهد شـد. در دفاع مقدس نیز نوجوانانی بودند کـه حماسـه‌هایی فراتر از سنشـان آفریدند. مانند مهـرداد عزیزاللهـی چهارده‌سـاله از اصفهان کـه وقتی مصاحبـه او را امـام خمینـی رحمه‌الله دیدند، خواسـتند تا او را ملاقات کنند. زمانی که مهـرداد خدمت امام رسید، ایشـان به احتـرام او از جا برخاستند و پس از بوسیدن پیشانی‌اش گفتند: می‌خواستم شخصاً تو را ببینم و التماس دعا

بگویم. همچنین بهنام محمدی دوازده‌ساله در زمان محاصره خرمشهر، وقتی دید رزمندگان به دلیل اتمام مهمات نمی‌توانند بجنگند، رفت و با دوازده قبضه کلاشینکف بازگشت و گفت: رفتم دوازده نفر از دشمن را اسیر و خلع سلاح کردم و سلاح‌هایشان را برای شما آوردم تا بجنگید. این روایات نشان می‌دهد که روحیه جهاد و ایستادگی چگونه می‌تواند حتی در نوجوانی، شجاعتی خارق‌العاده و تدبیری حماسه‌ساز بیافریند.

جهاد نظامی، اگرچه سخت و پر هزینه است، اما ساده‌ترین راه برای برانگیختن و فعّال‌سازی ظرفیت‌های یک ملت می‌باشد؛ زیرا دشمن در این عرصه به وضوح مشخص می‌شود و روحیه مبارزه به سرعت شعله‌ور می‌گردد، برخلاف جهاد نرم که برای ایجاد روحیه مبارزه و بیداری، پیچیده‌تر است و زمان بیشتری می‌خواهد.

هیچ عاملی به اندازه شناخت و کینه نسبت به دشمن خدا، ظرفیت‌های درونی انسان را برای ایستادگی و جهاد آزاد نمی‌کند.

شناخت دشمن

یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ایجاد بیداری، افشـای جنایت‌ها و چهره واقعی دشـمن است؛ مثلا همین عملیات طوفـان الاقصی یکـی از برکاتش این بود کـه توهم صلح‌طلبی و انسـانیت رژیم صهیونیستی را در هم شکست و چهره خونین آن را به جهانیان نشان داد. پیش از این، برخی از سران کشورهای عربی و بعضی از افکار عمومی بر این گمان بودند که اسرائیلی‌ها تغییر کرده‌اند و کم‌کم داشتند به آن‌ها گرایش پیدا می‌کردند که طوفان‌الاقصی همه این افکار را به هم ریخت. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه ما در هر شرایطی این اسـت که جنایت‌های دشمن را در عرصه‌های مختلف به گوش و چشم مخاطبان، به ویژه نسل جوان برسانیم و نقاب از چهره آن برداریم.

کتاب‌هایی مانند «جناب مستطاب آمریکا» (نوشته دکتر کوشکی) که تاریخ جنایت‌های آمریکا در سراسر جهان را مستند کرده، یا کتاب «داعشی‌های کرواتی» که جنایات سران غربی را نشان می‌دهد، ابزارهای ارزشمندی برای این آگاهی‌بخشی هستند.

هیچ عاملی به اندازه شناخت و کینه نسبت به دشمن خدا، ظرفیت‌های درونی انسان را برای ایستادگی و جهاد آزاد نمی‌کند. برائت از دشمنان خدا نیز به همین معناست. امروز آمریکا بزرگترین دشمن خداست که باید از آن برائت جست. بر همین اساس رهبر انقلاب تأکید می‌کند که شعار مرگ بر آمریکا یک راهبرد و یک منش است؛ زیرا اگر کسی آمریکا را واقعاً بشناسد، نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. لذا امروز مهم‌ترین حربه دشمن این است که پشت نقاب پنهان شده و تا زمانی که این نقاب کنار نرود و چهره زشت و خبیث او آشکار نشود، جوانان در معرض فریب و انحراف خواهند بود.

شناخت دشمن بسیار مهم و حیاتی است که ما در این زمینه کوتاهی کرده‌ایم، حتی در بیان واقعه کربلا نیز گاه ما در نشان دادن چهره کریه و منافقانه دشمنان امام حسین علیه‌السلام قصور داریم.

بنابراین شناخت دشمن بسیار مهم و حیاتی است که ما در این زمینه کوتاهی کرده‌ایم، حتی در بیان واقعه کربلا نیز گاه ما در نشان دادن چهره کریه و منافقانه دشمنان امام حسین علیه‌السلام قصور داریم. امروز نیز دشمن با نقابی فریبنده، نسخه‌هایی مرگبار برای جوانان ما می‌پیچد. اگر دختران و پسران ما بدانند چه کسانی و با چه نیّتِ شومی، پشت این برنامه‌ها هستند، هرگز فریب نمی‌خورند.

من بارها به نوجوانان گفته‌ام: آرزو داشتن نه تنها عیب نیست، بلکه واجب است. اما افق آرزوهای شما کجاست؟ آیا تنها قبولی در کنکور یا موفقیت مادی است؟ یا آرزویی والاتر دارید؟ آرزویی مانند شهید فخری‌زاده که اسرائیلی‌ها سال‌ها از ترس زنده بودنش خواب‌شان نمی‌برد. آیا دوست دارید آن‌قدر تأثیرگذار باشید که دشمن از زنده بودن شما هراسان باشد؟ این است آن افق بلندی که روحیه جهادی و حماسی را در نسل جوان زنده و شکوفا می‌کند.

نسل حماسه‌ساز

گفتیم در حوزه جهاد، برای فعال‌سازی ظرفیت حماسی و تقویت روحیه جهادی، اگر دشمنیِ دشمن به شکل سخت‌افزار و نظامی باشد، درک آن آسان است، اما هنگامی که این دشمنی به شکل نرم و پنهان بود، کار پیچیده‌تر می‌شود و وظیفه ما سخت‌تر می‌گردد که باید در راه تبیین آن برای مخاطب، خصوصاً قشر جوان و نوجوان تلاش بیشتری صورت بگیرد. در این راه باید از ابزارهای جذاب و تأثیرگذار بهره برد که ما این ظرفیت را در عرصه مداحی و منبر داریم. راه‌کار بنده این است که شما (مداح، سخنران و مسئول هیأت) به عنوان فعالان فرهنگی، ساقی باشید نه لزوماً چشمه؛ ساقی کسی است که چشمه را می‌یابد، آب را برمی‌دارد و به دیگران می‌رساند. شما می‌توانید با شناسایی و معرفی و به کارگیری منابع غنی (مثل کتاب، فیلم، مستند و مکان‌های آموزشی)، هیجان را در کنار معرفت به نسل جوان منتقل کنید و ظرفیت بی‌نظیر هیأت را برای ساختن نسل حماسه‌ساز و آگاه به کار گیرید.

مستندها و فیلم‌های سینماییِ بسیاری وجود دارند که می‌توانند به انتقال پیام کمک کنند. به عنوان مثال، من اطمینان دارم که اکثر نوجوانان مخاطب شما فیلم «شکارچی شنبه» را ندیده‌اند. این فیلم که توسط پرویز شیخ‌هادی ساخته شده، یک اثر سینمایی در ژانر نوجوان است که عمق دشمنی رژیم صهیونیستی با انسانیت را به‌خوبی نشان می‌دهد. جالب اینجاست که بازیگر این فیلم، علی نصیریان، به خاطر همین نقش، تحت پیگرد اینترپل قرار گرفت؛ حقیقتی که بسیاری از نوجوانان ما از آن بی‌خبرند. این فیلم در یک ساعت، کار صدها جلد کتاب را انجام می‌دهد. نمونه دیگر، مجموعه «مختارنامه» است. این سریال تنها یک فیلم تکراری نیست، بلکه بخشی از تاریخ ماست که هر نسل باید آن را ببیند و تحلیل کند؛ لذا من در زمان پخش این فیلم به مردم می‌گفتم: «مواظب باشید مختارتان قضا نشود». این سریال با وجود برخی ایرادات تاریخی احتمالی، در هر قسمت دریایی از منابع و معارف را به مخاطب معرفی می‌کند که مطالعه مستقیم آن‌ها برای یک جوان شاید ممکن نباشد.

منابع دیگری نیز وجود دارند که چشمه‌گون بوده و فقط کافیست مخاطب را به آن‌ها متصل نماییم:

۱. کتاب: مهم‌ترین منبع است. هیأتی که مخاطبانش اهل کتاب باشند، فرهیختگی و عمق بی‌نظیری خواهد داشت. ما نباید فقط لیوان آب به مخاطب بدهیم، بلکه باید او را به سرچشمه معرفت وصل کنیم.

شما می‌توانید با شناسایی و معرفی و به کارگیری منابع غنی (مثل کتاب، فیلم، مستند و مکان‌های آموزشی)، هیجان را در کنار معرفت به نسل جوان منتقل کنید و ظرفیت بی‌نظیر هیأت را برای ساختن نسل حماسه‌ساز و آگاه به کار گیرید.

مستندها و فیلم‌های سینماییِ بسیاری وجود دارند که می‌توانند به انتقال پیام کمک کنند.

۲. مستندها و آثار تصویری: منابعی مانند «عماریار» یا «سینما مارکت» که محصول تولیدکنندگان داخلی است، محتوای بسیار ارزشمندی دارند. مشکل اینجاست که حلقه اتصال بین تولیدکننده و مخاطب گاهی مفقود است که اینجا نقش فعالان فرهنگی (مداح، سخنران) پررنگ می‌شود.

۳. مکان‌های تاریخی و عبرت‌آموز: بازدید از مکان‌های تاریخی و عبرت‌آموز مانند «موزه عبرت تهران» می‌تواند به یک چشمه زنده تبدیل شود و چهره واقعی دشمن را نشان دهد.

تربیت

تقویت روحیه حماسی و مقاومت

- **تلفیق شور و شعور**
  - به جای انکار شور و هیجان، باید آن را در اوج خود و در کنار عقلانیت و حماسه قرار دهیم تا بتواند اثر واقعی و ماندگاری داشته باشد.
- **ایجاد روحیه حماسی**
- **مدیریت هیجان**
  - حماسه یعنی استفاده عقلانی و هدفمند از هیجان و کار حماسی یعنی این که شما از انرژی شورانگیز جوان و نوجوان استفاده کنید و آن را در مسیری درست هدایت نمایید تا هدفی بزرگ و ماندگار را محقق سازید. اینجاست که هیجان از حالت احساسی و زودگذر به موتور محرکِ موفقیت تبدیل می‌شود.
- **ضرورت گذر از احساسات سطحی**
  - فعال کردن کارکردهای مثبت هیجانات و هدایت صحیح آن به کانال‌های صحیح معرفتی

اثبات اهمیت روحیه حماسی

- تنها زمانی که شعور و تدبیر بر شور و احساس پیشی بگیرد، اقدام ما رنگ حماسه به خود می‌گیرد؛ در غیر این صورت، تنها یک اقدام احساسی و بی حاصل است.

مقایسه مقاومت و سازش

- مقاومت هزینه دارد، اما هزینه سازش بیشتر است و انسان عاقل، راهی را انتخاب می‌کند که هزینه کمتری داشته باشد. بسیاری فقط هزینه‌های مقاومت را مطرح می‌کنند، اما از هزینه‌های سنگین سازش سخنی نمی‌گویند.

ارتباط حماسه با تعقل

- حماسه هیچ‌گاه از عقلانیت جدا نمی‌شود. کار حماسی کاری است که از تمام انگیزه و شور انسان، به‌گونه‌ای عقلانی بهره می‌گیرد.

حماسی

نقش محوری نوجوانان

بیان اهمیت قشر نوجوان

این دوره، طلایی ترین و بحرانی ترین فصل زندگی هر انسان است؛ همچون زمینی مستعد و بکر که هر بذری در آن بکاری، به سرعت ریشه می دواند و رشد می کند. امروز برای همگان روشن و مبرهن شده که بی توجهی به این قشر، می تواند به پاشنه آشیل و نقطه ضعف امنیت یک جامعه تبدیل شود.

بیان ویژگی های نوجوانان

نوجوان، فردی است که در مرحله ای حساس از عمرش به سر می برد؛ از یک سو، ویژگی های کودکی را به طور کامل رها نکرده و از سوی دیگر، نشانه های پختگی جوانی را به تمامی به دست نیاورده است.

راه‌کارها

وظایف هیأت

هیأت ها موظفند تا با اولویت سنجی و برنامه ریزی عقلانی تأثیرات مثبت و ملموس در تمامی ساحات زندگی مخاطبین خود ایجاد نمایند.

ابزارهای انتقال معرفت و حماسه

بهترین ابزار در این مسیر، تمرکز بر تقویت روحیه حماسی و تبیین دلایل عقلی و منطقی جریان مقاومت و استفاده از ابزار جذاب و مؤثر می باشد.

بیداری بخشی

این مهم از طریق شناخت دشمن و کنار زدن نقاب منافقانه او و افشای جنایاتش محقق خواهد شد.

معرفی منابع معرفتی

فعالان فرهنگی می توانند شناسایی و معرفی و به کارگیری منابع غنی (مثل کتاب، فیلم، مستند، آثار تصویری و مکان های آموزشی)، هیجان را در کنار معرفت به نسل جوان منتقل کنید و ظرفیت بی نظیر هیأت را برای ساختن نسل حماسه ساز و آگاه به کار گیرید.

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

جامعه ایمانی مشعر
۰۲۵ - ۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

نشر هیات امروز
heyatemrooz.ir
@heyatemrooz_ir

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...